

دکتر عباس وفادار، یکی از بازرسان پرونده تقلب  
۳۰۰ میلیاردی و تومانی تاکید کرد:

## نبودن کنترل بانک مرکزی، عامل اصلی فساد بزرگ اقتصادی



مجید اسکندری  
majeed.eskandar@yahoo.com

دولت تدبیر و امید عزم خود را برای مبارزه با فساد اقتصادی جزم کرده است. دکتر شریعتمداری معاون اجرایی رییس جمهور در چهارمین کنفرانس پیشگیری از تقلب و سوءاستفاده های مالی از برنامه های جدی دولت برای خشکاندن ریشه فساد اقتصادی گفت و از تشکیل کارگروهی ویژه برای مقابله با این پدیده شوم خبر داد. فساد و تقلب، به دلیل ماهیت مخفیانه ای که دارد همواره سعی می کند اثری از خود بر جای نگذارد. شاید به همین دلیل باشد که نمی توان آماری دقیق و قطعی از میزان آن در اقتصاد کشور ارائه داد. از سوی دیگر شاید نتوان متولی مشخصی برای کشف و مبارزه با فساد اقتصادی معرفی کرد. دکتر عباس وفادار، حسابدار رسمی و کارشناس رسمی دادگستری بر این باور است که ضعف های موجود در دستگاه های دولتی یکی از عوامل اصلی وقوع فساد است در حالی که هیچ مدیر دولتی به دلیل قصور در وظایف بازخواست نشده است. وفادار که خود یکی از بازرسان پرونده تقلب ۳۰۰ میلیارد تومانی است، معتقد است اگر بانک مرکزی کنترل های لازم را اعمال می کرد این سوءاستفاده به راحتی قابل کشف بود. گفت و گوی «ماهنامه بازار و سرمایه» با این مدرس دانشگاه و عضو شورای عالی جامعه حسابداران رسمی ایران بر بررسی زوایای مختلف تقلب و سوءاستفاده های مالی پرداخته است.

■ برآوردها از میزان فساد در دنیا و نیز کشور ما چه اندازه است؟

فساد مانع توسعه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است. به موجب گزارش بانک جهانی، فساد موجب افزایش هزینه کسب و کار در سطح جهان تا ۱۰ درصد شده است. بررسی های انجام شده توسط World Economic Forum نشان می دهد که بهای فساد بیش از ۵ درصد تولید ناخالص داخلی جهان یعنی بیش از ۲،۶۰۰ میلیارد دلار است که ۱،۰۰۰ میلیارد دلار آن را رشوه تشکیل می دهد. در مورد بهای فساد در کشورمان آمار رسمی نداریم لیکن اگر فرض کنیم که فساد در ایران در حدود معدل جهانی آن است و اگر تولید ناخالص داخلی را بر اساس گزارش اکونومیست حدود ۵۴۰ میلیارد دلار در نظر بگیریم، به عدد ۲۷ میلیارد دلار خواهیم رسید. شاید بهتر باشد به آمار ارائه شده از سوی Transparency International که ائتلافی جهانی برای مبارزه با فساد است، نگاهی داشته باشیم. هم اکنون ایران از نظر نبود فساد و شفافیت، در بین ۱۷۵ کشور جهان دارای رتبه ۱۴۴ را دارد و نمره آن ۲۵ از ۱۰۰ است. تنها ۳۱ کشور که عموماً فقیر، جنگ زده، بحران زده و ضعیف هستند رتبه شان بدتر از ایران است. جالب است بدانیم رتبه فساد ایران در دولت های نهم

■ فساد اقتصادی چه تعریفی دارد و شامل چه مقوله ها و حوزه هایی است؟

کلمه فساد (Corruption) از ریشه لاتین (Rumpere) و به معنی شکستن یا نقض کردن است. مثلاً شکستن یا نقض کردن یک هنجار اخلاقی، اجتماعی یا قوانین و مقررات. بانک جهانی، فساد را سوءاستفاده از مقام دولتی برای کسب منافع شخصی تعریف کرده است. سازمان شفافیت جهانی نیز فساد را عمل تقلب آمیز یا فریبکارانه با استفاده از قدرت برای کسب منافع شخصی به ویژه از طریق رشوه تعریف می کند. فساد اقتصادی یکی از مهم ترین شکل های فساد است، اما تنها شکل فساد نیست.

فساد شکل های دیگری دارد که از جمله می توان به فساد در نیروی پلیس، فساد سیاسی، فساد قضایی، فساد در اتحادیه های صنفی و فساد در دانشگاه ها اشاره کرد. هم چنین باید توجه داشت که منافع اقتصادی تنها انگیزه فساد نیست. بسیاری از جاذبه های دیگر می توانند انگیزه های برای فساد شوند. این جاذبه ها عبارتند از موقعیت شغلی، قدرت، اعتیاد به مواد مخدر یا قمار و جاذبه های جنسی. فساد دارای شکل ها و نمودهای مختلفی است از جمله رشوه، اختلاس، سوءاستفاده از موقعیت، تقلب، باج خواهی، دریافت پورسانت و سپاسگزاری غیر قانونی.

و دهم وخیم‌تر شده‌است. از سال ۱۳۸۴ که آغاز کار دولت نهم است تا سال ۱۳۹۲ که پایان کار دولت دهم بود، رتبه ایران از ۸۸ به ۱۴۴ رسیده‌است. طبعاً برای جلوگیری از افزایش فساد در کشور، باید به آسیب‌شناسی اقدامات انجام شده در طول این ۸ سال پرداخت که منجر به چنین نتیجه‌ای شده و باید از تکرار آن‌ها جلوگیری کرد.

### ■ فساد اقتصادی در کشور ما بیشتر در چه حوزه‌هایی رخ داده و دلیل بروز آن چیست؟

آمار رسمی در مورد حوزه‌هایی که فساد اقتصادی در آن‌ها رخ داده، منتشر نشده‌است ولی با مراجعه به اخبار منتشره در رسانه‌های عمومی، می‌توان گفت که بانک‌ها، بیمه‌ها، مالیات، گمرک، خرید و تدارکات و ساخت‌وساز دستگاه‌های دولتی و عمومی و نیز حوزه فروش کالاها و خدمات دولتی و عمومی، بیش‌ترین حوزه‌های وقوع فساد اقتصادی بوده‌اند. به نظر من دخالت دولت در فعالیت‌های اقتصادی مهم‌ترین دلیل بروز فساد اقتصادی در کشور است. دولت با دخالت در اقتصاد نقش تولیدکننده و توزیع‌کننده عمده کالا و خدمات را بازی می‌کند. تسهیلات بانکی، زمین و مواد اولیه توسط دولت و به نرخ‌های دولتی به متقاضیان عرضه می‌شود. نرخ‌هایی که به مراتب پایین‌تر از قیمت بازار این کالاها و خدمات است. اینجاست که رانت به وجود می‌آید. متقاضیان و مسئولان توزیع این کالاها و خدمات هم بنا بر امکانات، ارتباطات و اختیاراتی که دارند، سعی می‌کنند از این رانت بهره‌مند شوند و اینجاست که زمینه برای بروز فساد اقتصادی فراهم می‌شود. شاهد این مدعا، افزایش دخالت دولت‌های نهم و دهم در اقتصاد و قیمت‌گذاری‌های دستوری در همه حوزه‌ها از جمله نرخ ارز و سود بانکی بود که نتیجه آن همان‌طور که در پاسخ به سوال قبلی گفتم، کاهش رتبه ایران از نظر سازمان شفافیت جهانی از ۶۸ به ۱۴۴ است. دلیل دیگری که منجر به افزایش فساد مالی در سال‌های اخیر در کشور شده، مساله تحریم‌ها و در نتیجه، برخی اقداماتی است که به بهانه دور زدن تحریم‌ها انجام شده‌است. یکی از نمونه‌های بارز این مساله پرونده‌ای است که هم اکنون در کشور ما و نیز در ترکیه مطرح است. افزایش فساد خود منجر به ناکارآمدی دولت می‌شود، سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد و در نتیجه رشد اقتصادی کاهش می‌یابد، فعالیت‌های اقتصادی و مولد را به سوی رانت‌ها و فعالیت‌های زیرزمینی سوق می‌دهد، سازمان‌های زیرزمینی برای استفاده از رانت به وجود می‌آید و این خود منجر به افزایش فساد اقتصادی می‌شود. در اینجا بد نیست به نمره آزادی اقتصادی ایران و رده آن در بین کشورها در سال ۲۰۱۴ که توسط Heritage foundation ارائه شده است، نگاهی بیندازیم. نمره آزادی اقتصادی ایران ۴۰٫۳ و رده آن در بین کشورهای جهان ۱۷۳ است. قبل از ایران کشور کنگو و بعد از آن کشور اریتره قرار دارد. معیار این نمره‌دهی، وضع اجزاء آزادی اقتصادی کشورها از جمله آزادی نیروی کار، آزادی پولی، آزادی کسب و کار و رهایی از فساد است.

### ■ آیا ضعف قوانین و اقدامات ناکافی نهادهای ناظر را می‌توان از عوامل فساد اقتصادی برشمرد؟

به نظر من ضعف قوانین و مقررات ضد فساد مالی به عنوان یک عامل فرعی و نه یک عامل اصلی بروز فساد اقتصادی مطرح است. بهتر است بگوییم یکی از مهم‌ترین ابزارهای مقابله با فساد در سطوح مختلف، داشتن قوانین جامع و در عین حال کارا در تمامی سطوح است به نحوی که اصلی‌ترین ویژگی قوانین یعنی قابلیت پیش‌بینی نتایج اعمال را در اختیار شهروندان قرار دهد و در عین حال دست

مجرمان قانون را برای ایفای وظایف خود و مبارزه با تقلب و فساد که روز به روز چهره پیچیده‌تری به خود می‌گیرد باز گذارد و در نهایت، احساس اجرای عدالت را در جامعه زنده نگاه دارد. به نظر من، فسادهای اقتصادی اخیر به روشنی نشان داده است که قوانین حاکم بر جامعه برای نیل بهتر به سه هدف فوق نیاز به بازنگری جدی دارند.

این در کشور ما می‌تواند به معنی تقویت بُعد نظارتی سازمان بازرسی کل کشور بر دولت و قانونمندان کردن روند تصمیمات دولتی باشد. جلوگیری از خودسرانه بودن تصمیم‌های مدیران میانی و مسئولان بانک‌ها و مؤسسات مالی دولتی و تدوین یک استاندارد واحد برای موافقت با اعطای تسهیلات و واگذاری منابع و قراردادهای دولتی که در کمیته‌های مشترک به تصویب نمایندگان دستگاه‌های ذی‌ربط تحت نظارت قوه قضاییه برسد، با حضور بخش خصوصی در اجرای قانون رقابت از مهم‌ترین گام‌ها در این زمینه است. گزارش به موقع درآمدها و هزینه‌های بخش عمومی به نهادهای نظارتی در دولت و مجلس، ارتقای نظام حسابداری و ممیزی استاندارد، نظام‌های مؤثر و کارای مدیریت و کنترل داخلی از دیگر اقداماتی است که باید در کشور ما انجام شود. تخلفات متعددی که هر ساله در گزارش‌های دیوان محاسبات منعکس می‌شود، گزارش‌های سازمان بازرسی کل کشور در مورد موارد نقض قانون در دستگاه‌های دولتی و حجم گسترده پرونده‌های شکایت از دولت در دیوان عدالت اداری، همه نشان‌دهنده نیاز به اقدام مؤثر قضایی و قانونی در این زمینه است.

در مقابل، باید تلاش شود که بخش خصوصی نیز چه به لحاظ بستر قانونی و چه به لحاظ امکان مشارکت عملی، مورد حمایت قرار گیرد. تا زمانی که الگوی خصوصی‌سازی کشور ما چین و روسیه باشد و مالکیت برخی شرکت‌ها به بخش خصوصی واگذار شود در حالی که مدیریت آن کماکان در يد دولت باقی بماند، شرکت‌های دولتی به مدیران سابق دولتی واگذار شود و بخش خصوصی چیزی جز نهادی شبه‌دولتی نباشد، نمی‌توان از افزایش رقابت‌پذیری، قطع رانت و جلوگیری از فساد در بخش خصوصی صحبت کرد. حقیقت آن است که قوانین ما در زمینه واگذاری شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی نیز به شدت ناقص و مجمل است.

لازم است با ارتقای استانداردهای حسابرسی و ممیزی در بخش خصوصی و در صورت لزوم تصویب مجازات‌های مؤثر بازدارنده مدنی، اداری یا کیفری، سلامت بخش خصوصی را ارتقا دهند. پیش‌گیری از سوءاستفاده از تشریفات مربوط به واحدهای خصوصی از جمله اعطای پروانه‌های بهره‌برداری توسط مراجع دولتی برای فعالیت‌های بازرگانی، جلوگیری از تعارض منافع از طریق وضع محدودیت‌ها به نحو مقتضی و معقول برای فعالیت‌های حرفه‌ای مقامات دولتی سابق یا استخدام مقام‌های دولتی در بخش خصوصی پس از استعفا یا بازنشستگی (در صورتی که این فعالیت‌ها یا استخدام‌ها مستقیماً به وظایفی مربوط شود که این مقامات در زمان تصدی بر عهده داشته یا بر آن نظارت داشته‌اند)، کنترل اندازه بنگاه‌های خصوصی و سهم آن‌ها از بازار و همچنین سهم هر یک از شرکا یا سهامداران این بنگاه‌ها از بازار بر اساس قواعد حقوق رقابت، همگی از عواملی است که می‌تواند به سلامت بخش خصوصی کمک کند.

### ■ در حوزه بازار پول آیا قوانین برای جلوگیری از فساد وجود دارد؟

در بُعد نظارت بر بانک‌ها و مؤسسات مالی، در حال حاضر در کشور ما دستورالعملی برای صدور L.C و جلوگیری از تقلب در آن توسط بانک مرکزی به طور موقت تدوین شده و دستورالعمل دائمی و اصلی تاکنون

برای تصویب در شورای پول و اعتبار متوقف مانده است. اما شاید مهم‌ترین جنبه که می‌تواند برای نظام حقوقی ما فرصت مناسبی در توسعه قوانین خود پدید آورد، مسئولیت اشخاص حقوقی است.

در کشور ما رویه قضایی جز در موارد معدودی که آن هم بیشتر در زمینه برخورد با مطبوعات و جرایم رایانه‌ای است در مورد مسئولیت اشخاص حقوقی، غنی نیست. قانون مجازات اسلامی جدید مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی را تحت شرایطی در نظر گرفته است. باید تلاش کرد در بعد مبارزه با فساد مالی، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی گسترش یابد در عین حال که مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی که جرایم اقتصادی را مرتکب شده‌اند نیز کماکان پابرجا بماند. از آنجا که معمولاً اشخاص حقوقی، پوششی برای اشخاص حقیقی در ارتکاب جرایم مالی و اقتصادی هستند، مجازات‌های مناسب برای اشخاص حقوقی و جلوگیری از ادامه فعالیت آنها می‌تواند مانعی جدی در جاه‌طلبی‌های شخصی مدیران این اشخاص باشد. در این زمینه هم چنین لازم است که قانون تجارت در مورد اعضای غیرموظف هیأت‌مدیره، شرایط و مسئولیت‌های آنها اصلاح شود. تا زمانی که اعضای غیرموظف هیأت‌مدیره می‌توانند از میان افراد غیر تحصیل کرده یا افرادی با تحصیلات غیر مرتبط به فعالیت شخص حقوقی انتخاب شوند و این مدیران حق هیچ‌گونه دسترسی به اطلاعات و اسناد شرکت بدون رضایت و اجازه مدیر عامل نداشته باشند، بحث از مسئولیت کیفری این اعضا به خاطر تصمیماتی که با ناآگاهی امضا کرده‌اند، غیر منطقی با عدالت است. شایسته است در این زمینه حداقل استانداردها و اختیاراتی برای اعضای غیر موظف هیأت‌مدیره تعریف شود و سپس بر اساس اختیاراتشان، از آنها مسئولیت مطالبه شود. نکته مهم دیگر آن است که در حال حاضر و در عمل، مدیران غیرموظف در شرکت‌ها و در هیأت‌مدیره نقش بسیار محدود و نمادین دارند و اکثر امور پراهمیت شرکت که زیربنای اداره آن است توسط مدیران اجرایی و موظف انجام می‌شود. از آنجا که مدیران اجرایی همه به عنوان زیردستان مدیرعامل فعالیت می‌کنند، این خود از موانع نظارت موثر و صحیح هیأت‌مدیره بر مدیرعامل است. شایسته است با پررنگ کردن نقش نظارتی مدیران غیرموظف و تعریف ضوابطی برای انتخاب صحیح آنها بر اساس تخصص مرتبط با فعالیت شرکت، نقش نظارتی هیأت‌مدیره بر شرکت و مدیرعامل تقویت شود.

شده است. اگرچه با تصویب قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مبارزه با فساد در سال ۱۳۹۰ تلاش شده است که تا حدی بر اهمیت نقش بازرسان و حسابرسان رسمی تاکید شده و ایشان را به نظارت دقیق‌تر و کشف و افشای تخلفات تشویق کنند، اما هنوز تا تدوین یک نظام حقوقی دقیق و جامع برای نیل به این اهداف فاصله زیادی وجود دارد. با یک نگاه کلی بر قوانین مربوط به مبارزه با فساد مالی در قانون مجازات اسلامی و قوانین مرتبط دیگر می‌توان دریافت که تاکید این قوانین بیشتر بر مجازات مجرمان اصلی است و اغلب اوقات در این قوانین، اشد مجازات یعنی حبس‌های طولانی و در برخی موارد اعدام در نظر گرفته شده است. در نتیجه این قوانین، سایر افراد خاطی که ممکن است مرتکب بی‌دقتی یا بی‌احتیاطی و یا قصور در انجام وظایف قانونی خود شده باشند یا باید مطلقاً از مجازات معاف شوند و در نتیجه، زیان‌دیدگان از افعال این افراد تنها می‌توانند به دعوی مسئولیت مدنی و انتظامی متوسل شوند که در نظام حقوقی ما چندان راه به جایی ندارد و یا به مانند مرتکب اصلی، به خاطر جرمی که هیچ قصدی در ارتکابش نداشته‌اند به مجازات مرگ یا حبس طولانی محکوم شوند. واضح است که وجدان و منطق، هیچ یک از این دو نتیجه را مطلوب نمی‌داند. از همین رو است که بازنگری در قوانین کیفری کنونی و گسترش ضابطه‌مند آن بدین منظور که تمامی عوامل موثر در وقوع یک فساد مالی را به فراخور نقش و بر اساس عنصر معنوی (عمد، قصور، تقصیر، بی‌مبالاتی و...) به کیفری درخور و هم درجه با فعل یا ترک فعل مرتکب برساند، یک ضرورت انکارناپذیر است.

از بعد دیگر نیز باید توجه کرد که احکام کیفری صادره در ایران در خارج از مرزها ممکن است با شبهاتی از جمله در زمینه معیارهای دادرسی عادلانه یا مطابقت با کنوانسیون‌های جهانی حقوق بشری روبه‌رو شود و در نتیجه اجرای فرامرزی آنها با مشکل مواجه شود. لذا در بعد حقوقی و ضرر و زیان ناشی از جرم، می‌توان با کمک گرفتن از دستگاه‌های دولتی و عمومی به عنوان شاکی خصوصی یا خواهان در دعوی حقوقی به دلیل خسارات وارده از جرم، امکان صدور احکام حقوقی را فراهم کرد که اجرای فرامرزی آنها نیز با مانعی روبه‌رو نشود. به نظر می‌رسد انجام این کار در پرونده‌هایی که هم‌اکنون در حال رسیدگی است و اموال متهمان آن بیشتر در خارج از کشور قرار دارد، امری ضروری است.

■ چه اقداماتی برای پیشگیری از این پدیده به عمل آمده و آیا این اقدامات می‌تواند موثر و کافی باشد؟

متأسفانه در کشور ما پس از وقوع یک فساد اقتصادی بزرگ، بلندگوها به صدا در می‌آیند، اندر نگویش آن بحث‌ها می‌شود، با چند نفر برخورد بسیار شدید می‌شود که شاید بعضاً بیش از جرم آنها باشد و بعد از مدتی موضوع به فراموشی سپرده می‌شود تا فساد دیگری کشف شود. نگاهی به تاریخ فسادهای مالی در سه دهه پیش، مویذ این موضوع است. شرکت‌های مضاربه‌ای از جمله سحر و الیکا، پس از چند سال داستان ۱۲۳ میلیارد تومانی بانک صادرات، پس از مدتی پرونده شهرام جزایری، پس از آن فساد مالی معروف به ۳۰۰۰ میلیارد تومانی و هم اکنون نیز پرونده جدید مطرح در کشور، این بدین معنی است که اقدامی اساسی برای پیشگیری از فسادهای اقتصادی انجام نشده است.

■ برای مبارزه با فساد اقتصادی چه راه‌هایی را پیشنهاد می‌کنید؟

تجربیات گذشته بیان‌گر آن است که فساد امری پویا است و ابعاد گوناگونی دارد؛ بنابراین مبارزه با آن نیز باید پویا، جامع و کلان‌نگر

در کشور ما رویه قضایی جز در موارد معدودی که آن هم بیشتر در زمینه برخورد با مطبوعات و جرایم رایانه‌ای است در مورد مسئولیت اشخاص حقوقی، غنی نیست. قانون مجازات اسلامی جدید مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی را تحت شرایطی در نظر گرفته است. باید تلاش کرد در بعد مبارزه با فساد مالی، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی گسترش یابد در عین حال که مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی که جرایم اقتصادی را مرتکب شده‌اند نیز کماکان پابرجا بماند

باشد. به نظر من برای مبارزه با فساد اقتصادی باید به اقداماتی به شرح زیر پرداخت:

- کاهش دخالت دولت در اقتصاد و کوچک کردن دولت
- استقرار نظام راهبری شرکتی و اصلاح سیستم‌ها و روش‌ها
- اصلاح قوانین و مقررات و شفاف‌سازی آنان
- اصلاح قوانین مبارزه با فساد برای کارآمد کردن آن‌ها
- ایجاد سازمانی مستقل با موضوع مبارزه با فساد اقتصادی
- سیاست‌زدایی نظام اقتصادی
- تاکید بر مبانی اخلاقی و تربیتی
- تشویق کارمندان و شهروندان به ارسال اطلاعات و افشاگری
- آزادی و مصونیت مطبوعات در ارائه گزارش و افشاگری فساد اقتصادی
- نظارت بر ثروت، مصرف و سطح زندگی کارمندان دولت در بخش‌های اداری و اقتصادی
- افزایش و منطقی کردن حقوق و مزایای کارکنان دولت
- آموزش عمومی برای مبارزه با فساد
- برخورد با کلیه تخلفات و متخلفان و فساد به صورت فراگیر و به میزان مشارکت در فعل فساد

### ■ با توجه به تخصص جناب عالی در زمینه کشف تقلب و نیز تجربه تان در کارشناسی پرونده فساد مالی ۳ هزار میلیارد تومانی و پرونده‌های مشابه، در شرایط حاضر آیا امکان بروز چنین تخلفاتی هنوز وجود دارد؟

بله. سه شرط برای وقوع تقلب وجود دارد که اصطلاحاً به آن مثلث تقلب گفته می‌شود. اولین ضلع مثلث تقلب، انگیزه‌ها و فشارهاست. یعنی انگیزه‌ها و فشارهایی که افراد برای ارتکاب به تقلب دارند. به عنوان مثال حقوق و مزایای کم یک کارمند. دومین ضلع مثلث را فرصت‌ها تشکیل می‌دهد. یعنی شرایط موجود، فرصت‌هایی را برای ارتکاب به تقلب ایجاد می‌کند. به عنوان مثال نبود کنترل لازم بر روی اعتبارات اسنادی داخلی از سوی بانک مرکزی. سومین ضلع مثلث تقلب را نگرش‌ها و توجیه‌ها تشکیل می‌دهد. یعنی یک نگرش، مشخصه یا مجموعه‌ای از ارزش‌های اخلاقی وجود دارد که به افراد اجازه می‌دهد تا مرتکب عمل نادرست شوند، یا افراد در محیطی هستند که به آن‌ها فشار کافی وارد می‌کند و آن‌ها را مجبور می‌کند تا ارتکاب به عمل نادرست را توجیه کنند. به عنوان مثال فرد متقلب با بیان این که خیلی‌ها این کار را می‌کنند و یا لازمه انجام فعالیت اقتصادی، انجام این تقلب است، کار خودش را توجیه می‌کند. گفته می‌شود که وزن این سه شرط در وقوع تقلب، بدین شرح است: ۴۹ درصد انگیزه‌ها و فشارها، ۲۸ درصد وجود فرصت تقلب و ۲۳ درصد نگرش‌ها و توجیه‌ها. طبعاً تا زمانی که شرایط به گونه‌ای است که این سه شرط وجود دارد، وقوع تقلب و سایر فسادها مالی نیز محتمل است. اگر به یاد داشته باشید در پاسخ به سوال قبلی شما راه‌هایی را برای مبارزه با فساد اقتصادی بیان کردم که هر کدام از آن‌ها بر یکی از این سه ضلع مثلث تقلب تاثیر گذارند.

### ■ متولی اصلی کشف فسادهای اقتصادی از جمله تقلب کیست و چرا همواره حساب‌برسان مورد بازخواست قرار می‌گیرند؟

در کشور ما یک متولی اصلی برای کشف فساد اقتصادی وجود ندارد و به طور موردی برخی از دستگاه‌ها از جمله سازمان بازرسی کل کشور، دیوان محاسبات کشور، وزارت اطلاعات، حراست ادارات و واحدهای حفاظت و اطلاعات به این کار می‌پردازند. در بسیاری از

کشورها برای کشف فسادهای اقتصادی و مقابله با آن، سازمان‌هایی تاسیس شده که از قوه مجریه مستقل است. دلیل این استقلال نیز وقوع عمده فسادهای اقتصادی در دولت‌ها است. بر این اساس، استقلال سازمان‌های مبارزه کننده با فساد اقتصادی از دولت‌ها امری ضروری است. از سوی دیگر، فسادهای اقتصادی به شکل‌هایی پیچیده انجام می‌گیرند و کشف آن‌ها به سادگی امکان‌پذیر نیست و نیاز به تخصص‌های ویژه‌ای دارد. با توجه به دو دلیل بالا و نیز رتبه فساد ایران و شرایط خاص آن، ایجاد چنین سازمانی ضروری به نظر می‌رسد. این گونه سازمان‌ها علاوه بر انجام تجسس و کشف فساد، به اقداماتی در مورد پیش‌گیری و بازدارنی از وقوع فساد هم می‌پردازند. کشورهای هندوستان، هنگ‌کنگ، چین، نیجریه، امریکا و سنگاپور دارای تجربه ایجاد چنین سازمان‌هایی هستند. در برخی از این کشورها، از روش دام‌گذاری برای اشخاص نیز استفاده می‌شود که به طرز قابل توجهی انگیزه اشخاص برای انجام فساد را کاهش می‌دهد. البته باید توجه داشت که استفاده از این روش در ایران مستلزم وضع قانون و نیز اصلاح برخی قوانین موضوعه است. نکته دیگری که در اینجا لازم است به آن بپردازیم، چگونگی کشف فسادهای مالی در جهان است. بیش‌ترین عامل کشف تقلب به عنوان یکی از انواع فساد، سرخ‌هایی است که توسط کارکنان، مشتریان، افراد ناشناس، سهامداران و رقبا داده شده است و ۴۳ درصد تقلب‌ها با این روش کشف شده‌اند. پس از آن، بررسی مدیران دستگاه‌ها (۱۵ درصد)، حساب‌برسان داخلی (۱۴ درصد)، کشف تصادفی (۷ درصد)، تطبیق حساب‌ها (۵ درصد)، بررسی اسناد و مدارک (۴ درصد)، حساب‌برسان مستقل (۳ درصد)، پلیس (۳ درصد)، نظارت و مراقبت (۲ درصد)، اعتراف (۱ درصد) و کنترل‌های فناوری اطلاعات (۱ درصد) به ترتیب سایر روش‌های کشف تقلب در سال ۲۰۱۲ در جهان بوده‌اند. آمارهای جهانی نشان می‌دهند که ۳ درصد از تقلب‌های کشف شده را حساب‌برسان کشف کرده‌اند. این بدین جهت است که به موجب استانداردهای حسابرسی، اول: حساب‌برسان صورت‌های مالی تاریخی را حسابرسی می‌کنند و مسئولیت حساب‌برسان، اظهارنظر درباره صورت‌های مالی است. دوم: هدف حسابرسی صورت‌های مالی این است که حساب‌برسان بتواند درباره انطباق صورت‌های مالی تهیه شده، از تمام جنبه‌های با اهمیت، با استانداردهای حسابداری اظهارنظر کند. سوم: حسابرسی انجام شده طبق استانداردهای حسابرسی به گونه‌ای طراحی می‌شود که از نبود تحریف با اهمیت ناشی از تقلب یا اشتباه در صورت‌های مالی، اطمینانی معقول و نه مطلق به دست آید. چهارم: اگرچه حسابرسی می‌تواند عاملی بازدارنده محسوب شود، اما مسئولیت پیش‌گیری از تقلب و اشتباه با حساب‌برسان نیست و نمی‌تواند باشد. بر این اساس، هر چند تقلب یک مفهوم قانونی گسترده دارد، اما آن چه به حساب‌برسان مربوط می‌شود، تنها آن دسته از اقدامات متقلبانه‌ای است که به تحریف در صورت‌های مالی بینجامد. دو نوع تحریف عمدی که حساب‌برسان در بررسی تقلب در صورت‌های مالی مورد توجه قرار می‌دهند، عبارتند از گزارش‌گری مالی متقلبانه و سوءاستفاده از دارایی‌ها.

به دلیل ماهیت شواهد حسابرسی و ویژگی‌های تقلب است که حساب‌برسان نمی‌توانند اطمینانی مطلق به دست آورند که همه تحریف‌های با اهمیت از جمله تقلب‌ها کشف شده‌اند. هم‌چنین استانداردهای حسابرسی ادعا می‌دارند که اغلب کشف تقلب دشوارتر از کشف اشتباه است؛ زیرا مدیریت با کارکنانی که مرتکب تقلب می‌شوند می‌کوشند تقلب را پنهان کنند. با این ترتیب، نمی‌توان حساب‌برسان را به عنوان متولیان اصلی کشف همه فسادهای اقتصادی که یکی از انواع آن تقلب است، دانست.

در کشور ما یک متولی اصلی برای کشف فساد اقتصادی وجود ندارد و به طور موردی برخی از دستگاه‌ها از جمله سازمان بازرسی کل کشور، دیوان محاسبات کشور، وزارت اطلاعات، حراست ادارات و واحدهای حفاظت و اطلاعات به این کار می‌پردازند. در بسیاری از کشورها برای کشف فسادهای اقتصادی و مقابله با آن، سازمان‌هایی تاسیس شده که از قوه مجریه مستقل است



تنها متخلف باید به اشد مجازات محکوم شود با بخشی از مجازات باید متوجه قصور یا تقصیر نهاد مربوطه باشد؟ تصور کنید دسترسی به اسلحه برای همگان امکان پذیر باشد. فردی به خشم می آید و اسلحه را برمی دارد و کسی را می کشد.

حال اگر اسلحه در دسترس همگان نباشد، ممکن است طرف به درگیری بدنی اکتفا کند و کسی نیز کشته نشود. به نظر می رسد نمی توان در این دو حالت حکمی با شدت یکسان از باب تقصیر داد. نکته دیگری که در برخورد قضایی با پرونده های فساد مالی باید به آن توجه داشت، انتساب عمل فساد فی الارض به متهمان این پرونده هاست. می دانیم که فساد فی الارض شدیدترین جرم در قوانین جزایی ایران است و یکی از مصادیق آن اخلاص در نظام اقتصادی کشور بصد ضربه زدن به نظام است که مجازات آن اعدام است. به نظر می رسد تعیین این که یک فساد مالی منجر به ایجاد اخلاص در نظام مالی کشور شده، بیش تر نیاز به کارشناسی اقتصادی دارد زیرا در تعیین آن باید به عوامل اقتصادی چون درآمد ملی، تولید ناخالص ملی، بودجه کل کشور و عوامل اقتصادی دیگر توجه کرد و آستانه ای را برای این که یک پرونده فساد منجر به اخلاص در نظام اقتصادی کشور شده یا خیر، تعیین کرد زیرا حکم آن با گرفتن جان محکوم اجرا می شود و نمی توان اذعان کرد که چنین احکامی در شرایط کنونی بر امر سرمایه گذاری و تولید بی تاثیر است. وانگهی انگیزه فرد یعنی قصد ضربه زدن به نظام نیز باید به طریق قطعی و یقین احراز شود یکی دیگر از مسائلی که در برخورد قضایی با پرونده های فساد بزرگ اقتصادی بسیار مهم است، چگونگی مدیریت اموال محکومان این پرونده ها به خصوص واحدهای اقتصادی متعلق به آنان است که می بایست تا اجرای حکم و رد مال به گونه ای مدیریت شود که این خود مقوله ای خاص است به خصوص در شرایطی که این واحدهای اقتصادی دارای سهامدار غیر و یا دارای شرکت های فرعی باشند. چند روز پیش سخنان وزیر اطلاعات را درباره برخورد با مفاسد اقتصادی می خواندم. سخنان ایشان برایم آن قدر جالب بود که بیان دوباره آن در این مصاحبه خالی از لطف نیست.

ایشان گفتند: «برخی از صورت های برخورد با مفاسد اقتصادی را قبول نداریم چون ضرر اینها برای سرمایه گذاری در امر تولید و ایجاد شغل در کشور بسیار بیش تر از تاثیر کاهش فساد اقتصادی است ... برخورد با مفاسد اقتصادی باید حساب شده و مطالعه شده باشد و بتواند فساد اقتصادی را از بین ببرد و سرمایه گذاری را از بین نبرد ... وزارت اطلاعات چون به امر رهبری متولی مبارزه با مفاسد کلان اقتصادی است، با یک راهبرد مطالعه شده و حساب شده در این عرصه عمل خواهد کرد تا بتواند در کاهش مفاسد اقتصادی تاثیر گذاشته و بر سرمایه گذاری سالم اثر بگذارد.» طرح این سخنان از سوی عالی ترین مقام امنیتی کشور، نشان از اهمیت بالای سرمایه گذاری و ایجاد اشتغال در کشور، آن هم در شرایط کنونی دارد.

شرایط کشور در حال حاضر به گونه ای است که تورم، بیکاری، پایین بودن نرخ سرمایه گذاری در تولید و اشتغال و نیز مشکلات پیش روی واحدهای تولیدی در تداوم فعالیتشان بیداد می کند. رشد منفی ۱،۹ درصدی تولید ناخالص داخلی، کاهش ۱۰،۳ درصدی حداقل مزد واقعی، نرخ بیکاری ۱۲،۲ درصدی و تورم بیش از ۳۰ درصدی همگی بیان گر این مدعا هستند. پس در چنین شرایطی باید برخورد قضایی با متهمان فساد اقتصادی با در نظر گرفتن این حقایق و شرایط کنونی کشور که در مورد آن بحث بسیار کردیم صورت پذیرد. در خاتمه به این توصیه پزشکان اشاره می کنم که پیش گیری همواره بهتر و ارزان تر از درمان است. کاملاً معتقدم که در حوزه اقتصادی نیز باید اولویت با پیش گیری باشد.

از طرف دیگر، برخلاف جرایمی نظیر دزدی یا قتل، که یک شاکی به لحاظ منافع خاص خود آن را پی گیری می کند، بخشی از فسادهایی که به وقوع می پیوندند، با رضایت طرفین، که هر دو منفعی از این بابت می برند، به وقوع می پیوندند. به دلیل همین ویژگی منحصر به فرد نبود احساس خسارت در طرفین از عمل فساد است که تشکیلات بازرسی و نظارت و حتی حسابرسان از وقوع آن به سختی اطلاع پیدا می کنند. ماهیت توافقی و پوشیدگی ذاتی اعمال فاسد، دست یابی به اطلاعات درباره موارد فساد را با مشکل مواجه می کند.

**■ عملکرد نهادهایی مانند سازمان حسابرسی، سازمان بازرسی کل کشور، سازمان امور مالیاتی، دیوان محاسبات و... در مبارزه با فساد اقتصادی چگونه می تواند موثر باشد؟**

سازمان امور مالیاتی خود از دستگاه های فساد پذیر است و باید تدابیر لازم برای جلوگیری از وقوع فساد در آن اندیشیده شود. سازمان حسابرسی هم حکایتی مانند موسسات حسابرسی دارد که درباره آن صحبت شد. به نظر می رسد اگرچه موسسات حسابرسی نیز به لحاظ وظیفه خود در حصول اطمینان معقول از نبود اشتباه یا تقلب در صورت های مالی تاریخی نقشی در کشف تقلب دارند، لیکن نهادهایی مانند سازمان بازرسی کل کشور و دیوان محاسبات به لحاظ اختیارات قانونی خود، می توانند نقش به مراتب بیش تری در کشف فساد اقتصادی و مبارزه با آن بازی کنند. البته کشف و رسیدگی به فسادهای اقتصادی نیازمند تخصص در حوزه هایی چون حسابرسی تقلب، فناوری اطلاعات و قوانین و مقررات است و باید برای این کار افراد خاصی در سازمان بازرسی و دیوان محاسبات آموزش داده شوند. با این حال، همان طور که در پاسخ به سوال پیشین شما گفتم و به توجه به آمارهای فساد اقتصادی در ایران، به نظر من تاسیس سازمانی خاص برای مبارزه با مفاسد اقتصادی ضروری است.

**■ آیا برخوردهای قضایی با متخلفان اقتصادی برخوردهای صحیح؛ جدی و در خوری بوده است؟**

همان طور که در پاسخ به سوالات پیشین گفتم، پس از کشف هر فساد اقتصادی در کشور، موجی شدید راه می افتد که نمی تواند در فرایند برخورد قضایی با متخلفان بی تاثیر باشد. از طرف دیگر، این موج به اندازه ای است که حتی برخی فعالیت های اقتصادی را تا مدتی مختل می کند.

به عنوان مثال، پس از پرونده موصوف به ۳،۰۰۰ میلیارد، وضع اعتبارات اسنادی ریالی و حتی اعطای تسهیلات توسط بانک ها تا مدتی با اختلال مواجه شد و طبعاً این موضوع بر اقتصاد کشور نیز بی تاثیر نبوده است. بر همین اساس بود که رهبری هم مداخله کردند. اگر فسادهای مالی کشور را ریشه یابی کنیم، ضعف های موجود در دستگاه های دولتی یکی از عوامل اصلی وقوع فساد است در حالی که هیچ کجا نمی بینیم این مقامات به لحاظ قصورشان که منجر به ایجاد فساد شده است، مورد بازخواست قرار گیرند. به عنوان مثال، در همین پرونده موصوف به ۳،۰۰۰ میلیارد، صرف نظر از تمامی ایرادهای مقرراتی مرتب بر الی های داخلی، اگر بانک مرکزی کنترل لازم بر این اعتبارات را از طریق سامانه ای برای ثبت این اعتبارات اسنادی و تنزیل آن ها ایجاد می کرد، سوء استفاده از این اعتبارات به راحتی قابل کشف بود. شاید باور آن برایتان سخت باشد ولی با صدور دستورالعمل و هزینه ای اندک می شد چنین کنترلی را انجام داد و این سوء استفاده ها اتفاق نمی افتاد. خوب، آیا زمانی که به لحاظ ندانم کاری نهادهای مسئول، محیط برای انجام اعمال خلاف فراهم می شود، آیا